

# چشم‌انداز آینده بخش توزیع درآمد و سیاست‌های لازم برای بهبود آن

نویسنده: حسن زیبایی\*

## چکیده

هدف از این تحقیق بررسی چالش‌ها، مشکلات و ارائه چشم‌انداز بخش توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی است. بخش اول این مقاله به بررسی برخی از نظریه‌ها و کارهای تجربی مربوط به توزیع درآمد در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. در بخش بعدی روند شاخص‌های توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی بیست سال گذشته بررسی می‌شود. سپس به مطالعه تطبیقی بین ایران و منتخبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در زمینه شاخص‌های توزیع درآمد می‌پردازد. در بخش بعدی با استفاده از مطالعات بخش اول، یک الگوی اقتصادسنجی طراحی می‌شود که هدف این الگو تبیین رفتار شاخص‌های نابرابری (ضریب جینی، نسبت دهک پایینی به دهک بالایی، نسبت بیست درصد پایینی به بیست درصد بالایی) و شاخص رفاه اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۳ و انجام پیش‌بینی‌های مورد نیاز است. در بخش بعدی با کمک الگوی مذکور و مفروضات

---

\* رئیس گروه دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی  
zibae@gmail.com

برنامه چهارم توسعه (در واقع مفروضات برنامه چهارم متغیرهای برونزای این مدل هستند)، چشم‌انداز بخش توزیع درآمد طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۴ در سه گزینه: ادامه روند موجود، رشد اقتصادی ۷ درصد و رشد اقتصادی ۸/۶ درصدی ارائه می‌شود. پس از آن مشکلات و چالش‌های اساسی در حوزه توزیع درآمد بررسی خواهد شد. و در پایان با استفاده از نتایج حاصل از الگو، راهکارهای سیاستی، الزامات بهبود توزیع درآمد و رفاه اجتماعی ارائه می‌گردد.

## ۱. مقدمه

عدالت اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های نظام‌های تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی برشمرده می‌شود. به طوری که در بسیاری از جوامع توان فکری و منابع مالی چشمگیری مصروف نیل به این آرمان اجتماعی شده است.

عدالت اجتماعی، به معنای اخص آن در بعد اجتماعی، الزام به عدالت در مناسبات اجتماعی و رفع تبعیض در بین گروه‌های اجتماعی، بین زنان و مردان، اقوام و نژادها و نیز مناطق مختلف را ایجاد می‌کند. در بعد اقتصادی، عدالت به رابطه بین فعالیت اقتصادی آحاد جامعه و عایدی این فعالیت‌ها مربوط می‌شود. به این معنا که تلاش هر فرد و بازده اقتصادی وی چه رابطه‌ای با درآمد حاصل از تلاش مزبور دارد. انجام مطالعه درباره عدالت اجتماعی و تبیین دقیق مفهوم آن، از دو نظر اهمیت حیاتی دارد اول اینکه، اساساً تحقق عدالت اجتماعی هدف نهایی تشکیل نظام جمهوری اسلامی است، دوم اینکه، تاکنون عدم تبیین دقیق موضوع پیامدهایی ناگوار، و نیز استنباط نادرست از عدالت اجتماعی، برداشت سطحی و تکیه به نمودهای ظاهری عدالت اجتماعی، هزینه‌ای سنگین برای کشور در برداشته است.

## ۲. مروری کوتاه بر مبانی نظری و تجربی

در بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه توزیع درآمد، به ارتباط بین توزیع درآمد و رشد و توسعه اقتصادی توجه شده است. بحث در این زمینه با فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵) شروع شده است.

آن دسته از محققانی که به بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخته‌اند، عبارتند از: کراویس (۱۹۵۹)، اوشیما (۱۹۷۰)، پاکرت (۱۹۷۳)، اهلوالیاء و دولوی و جولی (۱۹۷۴)، کلاین (۱۹۷۵)، لیدال (۱۹۷۷)، کرامول (۱۹۷۷)، نولان (۱۹۸۶)، رام (۱۹۸۸)، باورگوتیگن و مورسیون (۱۹۹۰)، جی‌ها (۱۹۹۶) و باومن (۱۹۹۷)، همچنین گروهی از محققان نظیر: شولتز (۱۹۶۹)، بلیندر و ایساک (۱۹۷۸)، نولان (۱۹۸۸)، بلجر و گوررو (۱۹۹۰)، بالیر و گالدی (۱۹۹۵) به بررسی اثر بعضی از شاخص‌های اقتصادی کلان بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. به طور اجمال در خصوص کارهای تجربی می‌توان به برخی از کارها به شرح ذیل اشاره نمود.

### الف) تجربه سایر کشورها

**مدل شولتز:** شولتز در کار تجربی خود با استفاده از اطلاعات سری زمانی، مهم‌ترین عامل مؤثر در نابرابری توزیع درآمد را بیکاری دانسته، در حالی که اثر تورم و اثر سهم درآمد عوامل تولید را کم اهمیت‌تر بیان کرده است.

**مدل نولان:** نولان (۱۹۸۸) با استفاده از اطلاعات سری زمانی توزیع درآمد، نرخ تورم و روند خطی زمانی، به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در انگلستان در دوره (۱۹۴۹-۱۹۷۹) پرداخت و به همان نتایجی رسید که بلیندر و ایساک (۱۹۷۸) در مطالعه‌ای مشابه در امریکا به آن رسیده بودند. آنها توزیع درآمد را در گروه‌های ۲۰ درصدی درآمدی خلاصه نموده و از آنها به عنوان متغیر وابسته استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد، تورم، بیکاری و سهم درآمد عوامل تولیدی باشد.

**مدل بلجر و گوررو:** در یک مطالعه تجربی که بلجر و گوررو<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) با عنوان "اثرهای سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد، یک مطالعه تجربی از کشور فیلیپین" انجام دادند، مدلی به صورت ذیل، برای ارزیابی اثرهای سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر توزیع درآمد در کشور فیلیپین ارائه شده است:

$$\text{Log}(S_I/S_H) = C + \beta_1 \text{Log}P + \beta_2 U + \beta_3 \text{Log}E + \beta_4 \text{Log}g + \beta_5 \gamma + \beta_6 \pi + \beta_7 t$$

1. Blejer & Guerrero

که در آن:  $S_L/S_H$  نسبت سهم دهک پایین درآمدی به دهک بالای درآمدی،  $P$  تابع بهره‌وری،  $U$  بیکاری،  $E$  نرخ واقعی ارز،  $g$  مخارج واقعی دولت  $\gamma$  نرخ واقعی بهره،  $\pi$  نرخ تورم،  $t$  روند زمانی.

نتایج مدل نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری نیروی کار (مثلاً از طریق دستمزد) منجر به کاهش نابرابری می‌گردد. همچنین افزایش نرخ واقعی ارز و نرخ واقعی بهره، به کاهش پراکندگی بین سهم گروه پایین و گروه بالای درآمدی تمایل دارد. ضریب منفی و معنادار بیکاری نشانی می‌دهد که بدتر شدن وضعیت بازار کار مثلاً از طریق کاهش دستمزدها، تأثیر منفی شدیدی بر گروه‌های پایین درآمدی خواهد داشت. همچنین تورم به صورت یک مالیات نزولی<sup>۱</sup> عمل نموده و مخارج دولتی نیز تأثیر باز توزیعی نزولی دارد و نرخ بهره واقعی دولت در جهت مقابل عمل می‌کند.

**مدل بالیر و گالدی:** بالیر و گالدی<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) به منظور بررسی اثرهای تورم و بیکاری بر توزیع درآمد در برخی از کشورهای در حال توسعه با استفاده از مدل بلیندر و ایساکی به آزمون دو فرضیه پرداختند.

الف) اولین فرضیه آزمون شده این بود که آیا تورم می‌تواند باعث تغییر موقعیت نسبی درآمد گروه‌های مختلف درآمدی شود.

ب) دومین فرضیه آزمون شده این بود که آیا تمام سیاست‌های کلان اقتصادی (علاوه بر سیاست‌های مالی) که بر بیکاری تأثیر می‌گذارند، بر توزیع درآمد نیز تأثیر دارند؟ همچنین در کوتاه‌مدت سیاست‌های پولی (علاوه بر تأثیر بر تورم) به طور غیرمستقیم می‌تواند بر شکاف بین تولید بالقوه و بالفعل تأثیرگذار باشد. همچنین تأثیر کلی و توزیعی سیاست‌های کلان اقتصادی در میان گروه‌های مختلف درآمدی به اهمیت نسبی دستمزدها و سایر انواع درآمدها، میزان پرداخت به بیکاران و پوشش تأمین اجتماعی مرتبط می‌شود.

- 
1. Regressive Tax
  2. Boulier and Gulde

## ب) تجربه ایران

**مدل ابونوری:** ابونوری (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای با عنوان " اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران " الگوی خطی زیر را برای توزیع درآمد در ایران ارائه کرده است:

$$g = a_0 \cdot (I)^{a2} \cdot (TE/TLF)^{a3} \cdot (GNP/TE)^{a4} \cdot (PI/GNP)^{a5} \cdot (GE/H)^{a6} \cdot (TP/H)^{a7} \cdot e$$

که در آن:  $g$  شاخص نابرابری اقتصادی،  $GNP$  تولید ناخالص ملی،  $TE$  اشتغال کل،  $I$  تورم،  $PI$  درآمد شخصی،  $TLF$  کل نیروی کار،  $TP$  پرداخت‌های انتقالی،  $H$  تعداد خانوار،  $GE$  هزینه دولتی،  $e$  عوامل غایب و غیرقابل کنترل.

و یا به صورت خلاصه زیر:

$$g = a_0 \cdot (I)^{a1} \cdot (ER)^{a2} \cdot (LP)^{a3} \cdot (IS)^{a4} \cdot (GH)^{a5} \cdot (TH)^{a6} \cdot e$$

$LP = GNP/TE$  بهره‌وری نیروی کار،  $I$  تورم،  $IS = PI/GNP$  سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص داخلی،  $ER = TE/TLF$  نسبت اشتغال،  $TH = TP/H$  پرداخت‌های انتقالی،  $GH = GE/H$  هزینه دولتی برای هر خانوار.

انتظار می‌رود افزایش در بهره‌وری نیروی کار بیشتر به نیروی کار گروه‌های درآمدی پایین‌تر تعلق گیرد و باعث کاهش شکاف بین گروه‌های مزد بگیر از یک سو و سود بگیر از سوی دیگر شود و سطح نابرابری کاهش یابد. همچنین افزایش تورم بسته به اینکه سهم تورم به طور نسبی در چه گروه از کالاها بیشتر باشد، تورم اثر افزایش یا کاهشی بر سطح نابرابری اقتصادی خواهد داشت، همچنین افزایش نسبت اشتغال نابرابری را کاهش می‌دهد و با افزایش سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی، سطح نابرابری افزایش می‌یابد زیرا سهم گروه‌های با درآمد بالا، از افزایش درآمد شخصی بیشتر است. اثر پرداخت‌های انتقالی و مخارج دولتی بر سطح نابرابری در هر جهتی می‌تواند باشد.

درآمد شخصی = هزینه‌های مصرفی بخشی خصوصی + پس‌انداز شخصی

می‌توان معادله بالا را با گرفتن لگاریتم از طرفین به فرم خطی زیر تبدیل کرد:

$$\begin{aligned} \text{Ln } g = & b_0 + a_1 \text{Ln}(I) + a_2 \text{Ln}(ER) + a_3 \text{Ln}(LP) + a_4 \text{Ln}(IS) \\ & + a_5 \text{Ln}(GH) + a_6 \text{Ln}(TH) + V \end{aligned}$$

با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۷۰ و روش حداقل مربعات تکراری به منظور رفع و یا تقلیل اثر خود همبستگی مدل فوق به صورت زیر برآورد و نتایج ذیل حاصل شده است:

$$\begin{aligned} \text{Ln } g = & -0/51 - 4/02 \text{Ln}(ER) - 0/49 \text{Ln}(LP) + 0/3 \text{Ln}(GH) \\ & + 0/07 \text{Ln}[I(-1)] + 0/36 \text{Ln}[IS(-1)] + 0/09 \text{Ln}(ITH) \\ R^2 = & 0/87, \quad D.W = 2/2 \end{aligned}$$

**مدل برنامه سوم توسعه:** بخش توزیع درآمد مدل برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی، با مروری بر ادبیات موضوع و کارهای تجربی نظیر مدل شولتز، بلیندر و ایساک، بالیر و گالدی و...، به بررسی و تبیین متغیرهای اصلی و تأثیرگذار بر توزیع درآمد پرداخته است. عمده‌ترین متغیرهایی که در مدل برنامه سوم استفاده شده عبارتند از: رشد اقتصادی، تورم و بیکاری که رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمد، و تورم و بیکاری باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

آنچه مسلم است اینکه در تمامی مطالعات مذکور سه متغیر کلان اقتصادی تأثیرگذار بر توزیع درآمد عبارت است از: رشد اقتصادی با تأثیر مثبت، تورم و بیکاری با تأثیر منفی. همچنین به سایر متغیرهای اقتصادی نظیر: بهره‌وری، حاشیه نرخ ارز، مالیات‌های مستقیم... نیز در بعضی از این مطالعات به عنوان متغیرهای تأثیرگذار با اولویت بعدی اشاره شده است.

### ۳. تحلیل روندها و عملکردها

عملکرد اقتصاد کشور در بعد تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند از طریق مطالعه تحولات توزیع درآمد، فقر و رفاه اجتماعی به صورت شاخص‌های کمی بررسی گردد.

### ۳-۱. توزیع درآمد

شاخص‌های توزیع درآمد متعدد و متنوع هستند. هر یک از این شاخص‌ها برای هدفی طراحی می‌شود و ممکن است نسبت به دیگر هدف‌ها نارسا و ناکافی باشد. در این میان، شاخص‌های سازگار با منحنی لورنز، همچون سهم دهک‌های درآمدی، نسبت سهم دهک بالایی به دهک‌های پایینی، نسبت سهم بیست درصد بالا به بیست درصد پایین و ضریب جینی متداول‌تر هستند.

همان‌طور که اشاره شد از جمله شاخص‌های سنجش توزیع درآمد نسبت هزینه دهک بالا (ثروتمندترین) به دهک پایین (فقرترین) است و هر چه این نسبت بالا باشد نشان‌دهنده نابرابری بیشتر است. این نسبت از رقم ۲۳/۱ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۲۲/۰۸ در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است. به استثنای سال ۱۳۷۰ در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ این نسبت از ثبات نسبی برخوردار بوده است. لازم است ذکر شود به دلیل اینکه آمارهای سال ۱۳۷۰ در دهک دهم، با سایر سال‌ها ناهماهنگی دارد، آمار سال ۱۳۷۰ غیر واقعی به نظر می‌رسد.

همچنین نسبت هزینه بیست درصد بالا به بیست درصد پایین از رقم ۱۱/۰۵ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۱۰/۴۹ در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، طی برنامه اول توسعه این دو نسبت برای جامعه شهری رو به کاهش و در جامعه روستایی رو به افزایش بوده، اما آنچه قابل تأمل است مقایسه نابرابری جامعه شهری با جامعه روستایی است. برای مثال در سال ۱۳۶۹ در جامعه شهری، نسبت هزینه ثروتمندترین دهک در حدود ۱۷ برابر فقیرترین دهک بوده و در جامعه روستایی این نسبت حدود ۲۸/۵ برابر بوده است.

از دیگر شاخص‌های تحلیل توزیع درآمد که شرایط کلی توزیع (شامل گروه‌های میانی) را نشان می‌دهد ضریب جینی است و هرچه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده عدم تساوی بیشتر و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده توزیع بهتر درآمد است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود این شاخص از رقم ۰/۴۴ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۰/۴۳ در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است (به استثنای سال ۱۳۷۰ که مشکل آماری وجود دارد). شرایط کلی توزیع درآمد طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲ با ثبات بوده است. همچنین در جامعه شهری وضعیت توزیع درآمد در برنامه اول توسعه رو به بهبود و در جامعه روستایی با وجود وضعیت بد توزیع درآمد در سال‌های ابتدایی برنامه ملاحظه می‌گردد که در سال‌های انتهایی برنامه وضعیت بهبود یافته است.

## جدول ۱. شاخص‌های نابرابری طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۸۳

نسبت ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین			نسبت دهک بالا به دهک پایین			ضریب جینی			سال
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	
10/35	10/00	11/51	21/23	19/40	23/74	0/426	0/426	0/446	میانگین دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۷
10/2	9/7	11/1	22/1	19/1	23/1	0/42	0/42	0/44	1368
12/6	8/5	11/0	28/5	16/9	23/6	0/45	0/4	0/43	1369
12/8	11/9	14/2	29/0	26/3	33/4	0/452	0/477	0/486	1370
11/6	8/7	11/1	24/8	16/5	23/2	0/434	0/41	0/435	1371
11/5	8/0	10/5	25/9	14/9	22/1	0/431	0/393	0/425	1372
11/73	9/39	11/56	26/04	18/76	25/09	0/437	0/420	0/443	میانگین برنامه اول توسعه
10/6	7/9	9/9	22/8	14/5	20/0	0/431	0/395	0/424	1373
11/3	8/2	10/2	23/5	15/0	20/5	0/437	0/402	0/427	1374
10/0	8/3	10/2	19/9	15/0	20/2	0/42	0/404	0/43	1375
9/7	7/8	9/7	19/2	13/9	18/9	0/42	0/39	0/422	1376
11/1	7/9	10/5	23/0	14/2	21/2	0/44	0/39	0/43	1377
10/2	7/9	9/9	20/3	14/3	19/4	0/43	0/4	0/42	1378
10/47	8/02	10/11	21/21	14/49	20/05	0/429	0/397	0/426	میانگین برنامه دوم توسعه
10/31	8/20	10/13	20/64	15/09	20/07	0/42۷	0/40۴	0/430	1379
9/50	8/36	9/96	18/22	15/44	19/40	0/415	0/411	0/4۲۵	1380
9/50	7/9	9/5	18/7	14/2	19	0/413	0/40۲	0/4۲0	1381
8/23	7/23	8/43	15/2	12/85	15/7	0/393	0/386	0/41	1382
9/01	7/62	9	17/25	13/25	16/8	0/415	0/398	0/423	1383
9/3	7/8	9/4	18	14/2	18/2	0/413	0/399	0/422	میانگین برنامه سوم توسعه

مأخذ: آمار بودجه خانوار، مرکز آمار ایران